

راه آشتی

برای شکل گیری «ما»ی بزرگ باید بر مشترکات و تسامح و تساهل تأکید کرد

یادداشت

طرح موضوع وفاق ملی از سوی رئیس‌جمهوری منتخب ملت ایران مسعود پزشکیان

پس از انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری پرسش‌هایی را مطرح کرد. این پرسش‌ها این بود که وفاق ملی حول چه محورهایی باید شکل بگیرد و موانع تحقق این وفاق چیست؟

با اینکه چه زمینه‌های اجتماعی طی سالیان اخیر سبب شد تا این موضوع مطرح شود؟ واقعیت این است که مجموعه حوادث شکل گرفته از سال ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۴۰۳ نشان داد جامعه ایرانی بیش از گذشته برای پایداری و مانا بودن به مقوله وفاق ملی نیاز دارد. اما این محورهای وفاق کدامین هستند؟ و اینکه موانع این تحقق وفاق چیست؟

قرائن و شواهد نشان می‌دهد برای تحقق وفاق ملی می‌توانیم حول این راهبرد به موفقیت‌های بزرگی رهنمون گردیم. راهبرد وفاق مبتنی بر این است که ما ایرانی هستیم، مسلمان و توسعه‌گرا. برای شکل گیری «ما»ی بزرگ که در برگیرنده آحاد ملت ایران باشد، می‌بایست به ایران سرفراز و مانا بیش از گذشته تکیه کنیم. مفهومی که می‌تواند ملات مشترک همه ایرانیان اعم از کرد و لرو آذری و عرب و ترکمن و بلوچ و فارس باشد. با تکیه بر ایران، همه اقلیت‌های مذهبی هم مقوله‌ای برای وفاق دارند. خوشبختانه اقلیت‌های مسیحی ارمنی و آشوری و زرتشتی

طی قرن‌های متعددی ذیل مفهوم ایران از جایگاه خوبی برخوردار و زندگی مسالمت‌آمیزی با دیگران داشته‌اند. پس تکیه بر ایران در برگیرنده کلیت جامعه ایرانی است.

اما واقعیت این است که بخش عمده جامعه ایرانی مسلمان است که در برگیرنده اهل تشیع و برادران اهل سنت است. بنابراین برای قوام جامعه ایرانی و مانایی آن نمی‌توانیم نقش دین را نادیده گرفت. اما تمامی سخن بر سر این است که می‌بایست خوانش و قرآنی از اندیشه دینی ارائه شود تا بتواند وحدت ملی و وفاق ایرانیان را سبب گردد و بیشتر بر نکات ایجابی متمرکز باشد تا بر جنبه‌های سلبی. خوشبختانه از همان اول انقلاب رهبران انقلاب و در صدر، بنیانگذار انقلاب اسلامی و پس از آن رهبر فرزانه نظام با تأکید بر شکل‌گیری هفته‌ای تحت عنوان «هفته وحدت» خوانشی از اسلام ارائه کردند که بر مشترکات شیعیان و اهل تسنن تأکید می‌کرد. با وجود این به خاطر نبودن این حرکت این وحدت نتوانست به ایده‌ال مطلوب خود برسد. خوشبختانه یکی از دستاوردهای دولت پزشکیان این بود که ذیل گفتمان وفاق نتوانست در کشور از استانداران اهل تسنن در استان‌های سنی نشین استفاده کند که خود گام مهمی برای تحقق مقوله وفاق است. همچنین حضور معاون رئیس‌جمهوری از اهل سنت هم پیش از این مسیوق به سابقه نبود که در

این دولت اتفاق افتاد. علاوه بر دو عامل ایرانییت اسلامیت، رویکرد توسعه‌گرایی و میل به پیشرفت و توسعه در میان مسئولان کشور می‌تواند باعث ثبات کشور و نزدیکی توده‌های مردم با حکومت شود. چرا که اگر بر فرض فردی تحت دو عنوان قبلی نخواست برای جامعه خود گامی بردارد، حداقل می‌تواند ذیل این تفکر نفعی برای کشور خود داشته باشد.

اما پرسش اساسی این است که چه عواملی سبب شده که تحقق مقوله وفاق تا این اندازه در کشور سخت باشد؟

به نظر می‌رسد روحیه کار جمعی در ما ایرانی‌ها آنطور که انتظار می‌رود قوی نیست و برخی اوقات استبداد رأی بر تضارب آرا و اندیشه می‌چربد. نتیجه‌گیری ایرانیان در ورزش‌های فردی همیشه بر ورزش‌های جمعی ترجیح داشته است. در حرکت‌های حزبی خیلی زود همه کارها به انشعاب منجر می‌شود. اکنون بالغ بر ۱۰۰ حزب و گروه سیاسی در وزارت کشور ثبت شده است. برای این ادعا مثال‌ها فراوان است و کافی است نگاهی به دور و اطراف داشته باشیم. بنابراین برای شکل‌گیری آن «ما»ی بزرگ یعنی وطن، بیش از گذشته باید بر مشترکات وفاق کرد و از سوی دیگر روحیه تسامح و تساهل را سر لوجه کار قرار داد. از دیگر عوامل ضعف وفاق ملی شکاف دولت و ملت در طول تاریخ ایران بوده است. اصولاً نوعی بدبینی میان مردم و حاکمیت‌ها وجود داشته است. انگار حاکمان

از نوعی دیگر و مردم هم از جنسی دیگر بوده‌اند. همین تضاد و شکاف باعث شده انسجام ملی برای پیشرفت و توسعه شکل نگیرد و حتی نوعی دوگانگی را دامن زند. وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ سبب شد تا مدتی این دوگانگی فرو افتد. اوج همگرایی دولت و ملت زمان حمله صدام حاکم عراق بود. اما پس از جنگ بخشی از جامعه بنا به دلایلی از مجموعه سیاسی فاصله گرفتند. هر چند همچنان بخش‌های زیادی از جامعه با نظام همراهی دارند. دولت پزشکیان طی چند ماه اخیر تلاش کرد تا راهی برای آشتی دادن این بخش از جامعه با نظام پیدا کند. به نظر می‌رسد موضع پزشکیان در قضیه لایحه حجاب و نقد به مفاد آن تلاشی است تا از ایجاد فاصله‌ها جلوگیری و مقوله وفاق را دامن زند. بازگشت دوباره اساتید و دانشجویان به دانشگاه پس از قضایای پاییز ۱۴۰۱ هم در این راستا تعبیر می‌شود. حضور چندین نفر از زنان ایرانی در دولت از سخنگویی تا وزارت و به کارگیری آنان در مناصب دولتی تاکنون در این حد بی‌سابقه و تلاشی در جهت کاهش دوگانه دولت و حاکمیت بوده و قابل تقدیر است. واقعیت این است اگر مقوله مدیریت در ایران بتواند از همه ظرفیت‌ها برای اداره کشور استفاده و از سوی دیگر نخبگان هم بتواند از ایده آل‌های خود عقب‌نشینی و واقعیت‌ها را ببیند مؤلفه وفاق بیش از گذشته خود را نشان خواهد داد. ♦



غلامعلی دهقان

مورخ تاریخ